



## پایان جغرافیا

جهانی شدن با توجه به تقویت فرایندهای افقی و حکمرانی چندلایه و چندسطحی، موجب نقش آفرینی فزاینده حکومت‌های محلی در عرصه سیاست خارجی در چارچوب پارادایم‌های شده است. در این رهگذر، دیپلماسی شهری از آن لحاظ نمونه‌ای موفق از پارادایم‌های محسوب می‌شود که موجب هم‌افزایی و هم‌تکمیلی کارکردهای حکومت‌های محلی و مرکزی در چارچوب تمرکززدایی، در عین هماهنگی و همکاری متقابل براساس توزیع قانونی مسئولیت‌ها شده است.

ارتباطات و اطلاعات جهانی سبب شده است که پدیده‌ها و روابط پیرامونی آن‌ها با یکدیگر تغییر و تحولی بنیادین را بر خویش ببینند. آنچنان که فرایند جهانی شدن به‌عنوان بستری فراگیر و با ویژگی‌هایی چون ظهور دهکده الکترونیک جهانی، انقلاب اطلاعات، گسترش آگاهی جهانی، ارتقای خودآگاهی جمعی بشری و پایان جغرافیا و آغاز عصر سیبرنیتیک توان آن را دارد که بر اقتصاد، سیاست، فرهنگ و... تأثیر نهد.

شهرها نیز در این فرایند تأثیر و تأثری متقابل می‌نهند؛ بنابراین، امروزه شاهد روابط شهرهای جهانی با یکدیگر هستیم. این تغییر و تحولات عامل عمده تحول در روابط بین‌الملل و دیپلماسی است؛ آنچنان که دیگر روابط بین‌الملل صرفاً شامل مراودات دولت - ملت‌ها نمی‌شود.

پرسش اصلی مهناز گودرزی و الهام صباغ کلاته‌حسینی استادیار و دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اصفهان در این مقاله آن است که چگونه نسبتی میان تغییرات جهانی شدن با روابط شهرها از یک سو و روابط بین‌الملل با دولت - ملت‌ها از سوی دیگر برقرار است؟

مفروض این نوشتار بر آن است که هرگاه ساختارهای جهانی دستخوش تغییر و تحول شوند، دیپلماسی نیز متحول می‌شود؛ بنابراین، در این پژوهش با تکیه بر روش تحقیق توصیفی - تحلیلی قصد داریم این فرضیه را اثبات کنیم: روابط بین‌الملل در نسبتی عام با تحولات جهانی شدن رو به سوی دیپلماسی‌های موازی‌ای چون دیپلماسی شهری آورده و از سطح صرف دولت - ملت‌های رسمی به سمت بازیگران متداخل غیردولتی حرکت کرده و اقدام به ایجاد روابط دو و چند سویه نموده است. این تحول وضعیت جدیدی را در روابط بین‌الملل ایجاد کرده و فرصت‌های یکسان و متقابلی پیش روی بازیگران دولتی و غیردولتی نهاده است.

برای دریافت و مطالعه متن کامل مقاله از لینک زیر استفاده کنید.